

نه به زنتیزی عربی، نه به همجنسبازی غربی



موضوع این جستار، درباره یا نقد "همجنسگرایی"، که انگیزه عملی/ژنتیکی دارد نیست، بلکه "همجنسبازی" یا "انحراف جنسی" است، که یکی از ستون های بنیادی فرهنگ و تمدن غربی بشمار می رود. همچنین، بایستی روشنسازی کرد، که برابر دو واژه فارسی "همجنسگرا" و "همجنسباز" در زبان انگلیسی Gay (علمی آن Homosexual) می باشد، و برعکس فارسی، تفاوتی میان ایندو قائل نمی شود!

یک هنرمند در هر جامعه ای رسالتی را بر عهده دارد تا آنرا به انجام برساند - خواه رسالت هنری باشد، که با نوآوری و انقلاب به پیشرفت هنر در کشورش یاری رساند، یا از جایگاه و شناخته بودنش برای امر روشناسازی و دفاع از جامعه و کشورش کمر همت ببندد؛ - ولی اگر آن شخص نه در رشته هنری خود در بالاترین باشد، نه جرات مبارزه را داشته باشد و نه در بیداری و دفاع از جامعه تلاش کند، چنین شخصی، بود و نبودش برای آن جامعه مهم نیست! برای نمونه، از زنده یاد ارحام صدر می توان بعنوان یک هنرمند راستین نام برد - زیرا نه تنها در رشته هنری خود انقلابی در تئاتر ایران پدید آورد، بلکه با نمایشنامه های گوناگونش با واپسگرایی و خرافات روضه خوانان در جامعه می جنگید.

اکنون، رسانه های غربی در چند روز گذشته، گزارشی را با آب و تاب ویژه ای پخش کرده اند که بهرام رادان، بازیگر سینمای ایران، در توییتر خود از قانون ازدواج همجنسگراها و نیز همجنسبازان در آمریکا (Marriage Gay) پشتیبانی کرده و آنرا با "لغو قانون برده داری" یکی خوانده است [1] - که پس از چهار روز، در یک چرخش ۱۸۰ درجه ای، توییتر خود را زدوده و در ندامت نامه ای اعلام پوزشخواهی می کند:

«به استحضار می رساند پیرو مطالب منتشر شده، بدین وسیله نظر خود را شفاف سازی و تبیین می کنم: آنچه که به عنوان نظر بنده در فضای مجازی در خصوص رای دیوان آمریکا در خصوص قانون همجنسگراها منتشر شد، اشتباه بوده و در شان ملت ملت ایران نبوده است که از این بابت عذرخواهی می کنم. منظور از بزرگنمایی بد تیر زدن اشاره به رسانه های بیگانه خارج از کشور بود که منتظر فرصت هستند تا از یک هنرمند وطنی نماد مخالفت و جدایی طلبی بسازند. در مملکتی آب حیات می نوشیم که ازدواج سنت پیامبر و امری پسندیده است. قوانین آمریکا هیچ محلی از اعراب در جمهوری اسلامی ایران ندارد و در کشور ما صراحتاً ازدواج همجنسگرایان امری است قبیح و ناموزون با شرع و عرف و قانون.» [2]

در هر روی، "حق گزینش" و "آزادی بیان"، دو حق پایه ای همه انسان ها می باشد و بهرام رادان هم، بعنوان یک "انسان" این حق را داشته است که "هر آنچه که دل تنگش بخواهد بگوید" - ولی نه زمانی که شخصیتی شناخته شده و الگویی برای بخشی از جامعه، بویژه نسل جوان بشمار می آید.

"کار هر بز نیست خرمن کوفتن - گاو نر می خواهد و مرد کهن!"

بهرام رادان، همانند اشخاص دیگری که در جامعه شناخته شده می باشند، این وظیفه را بر دوش می کشد تا در کنش، رفتار، گویش و اندیشه خود بسیار هوشیارانه، با در نظر گرفتن پیامدهایش بر روی مغزهای جوان و نا آگاه کشور چه خواهد بود عمل کند. این شخص، با نامی بودنش در حقیقت این حق را از خود می گیرد، که "هر آنچه دل تنگش که خواهد، می تواند بگوید و انجام دهد!" ولی بیخردی و نادانی ایشان از آنجا آشکار می شود، که بدون اندیشه ژست روشنفکرمانانه بخود گرفته و می پندارد "همجنسبازی" تجدد است و نه تنها در اشاعه و تهاجم فرهنگ غربی که همجنسبازی بخشی از آن می باشد، کوشایی می کند، بلکه پس از چهار روز خوار و سرافکننده، به عجز و لابه و التماس و پشیمانی می افتاد! [2] بنابراین ایشان هم با توئیت خود در یورش فرهنگی یاری رسانی کرده است و هم با نوشتن ندامت نامه، به هواداران و دوستداران خود درس ترسویی و خوار شدن را آموخته است!

اکنون، از خود بایستی بپرسیم، چه می شود که یک بازیگر سینما تا به این اندازه بیخرد و ترسو می شود و بطور کل چنین اشخاص بی مایه ای در جامعه مطرح می شوند؟ پاسخ: گنهکار کسی نیست، بجز رژیم روضه خوانان، که نه تنها نیاندیشیدن و ناآشنایی و نا آگاهی و بیگانه پرستی و بیگانه نوازی را در جامعه ایرانی نهادینه ساخته است، بلکه هر کس و ناکسی، بدون هیچ پشتوانه فرهنگی و عملی و هنری و ادیبیکشبه رهبر و سیاستمدار و استاد و هنرمند و الگویی در جامعه می شود!

رژیم روضه خوانان بانی اشاعه فرهنگ عربی و غربی در ایران

رژیم روضه خوانان که در سال ۱۳۵۷ توسط کشورهای غربی، بویژه بریتانیا بر سر کار آورده شد^[3]، وظیفه اصلیش، جنگ و ستیز با فرهنگ و هویت ایرانی، اشاعه فساد و نابودی اخلاقیات و پایندهای انسانی^[4]، اشاعه بیسوادی و بیخردی، گرفتن نیروی اندیشه و تصمیم گیری، بردن جامعه به زیر فقر فرهنگی، ایجاد اختلاف میان ایرانیان بوده است، تا سرانجام، همه این مسائل دست بدست یکدیگر داده و به تکه پاره شدن ایران پایان یابد، که تا به امروز هم شوربختانه در اجرای آن پیروز بوده است.

این رژیم ضد ایرانی، برای نابودی فرهنگ و هویت ایرانی، در ۳۷ سال گذشته، نه تنها از اشاعه فرهنگ و هویت ایرانی جلوگیری کرده تا ایرانی را از اصل خود دور کند، بلکه شبانه روز بر طبل تبلیغات و اشاعه فرهنگ عربی و اندیشه های واپسگرایانه پیرامون آن، از جمله حجاب (بخشی از فرهنگ زنتیزانه عربی)، کوییده است، که نتیجه آن این بوده است که بخشی از جامعه امروز ایرانی، بویژه برخی از نوجوانان و جوانان، بخاطر سرخوردگی های گوناگون و فشارهای حاکم بر کشور، و نا آشنایی و نا آگاهی با فرهنگ ملی، از اصل ایرانی خود دور افتاده و به فرهنگ غربی پناه برده اند - که در نتیجه ندانسته با اینکار به رژیم روضه خوانان و اربابانشان در لندن و تل آویوو و واشینگتن در نابودی فرهنگ و هویت ایرانی یاری رسانی می کنند - زیرا که هر دو فرهنگ، غربی و عربی، با فرهنگ و هویت ایرانی در ستیز بوده و خطری برای موجودیت آن بشمار می روند!

دو فرهنگ زنستیز غربی و عربی!

برخلاف فیلم های ساخت کشورهای غربی، بویژه هالیوود، که زنان یونان و روم باستان را شخصیت های بزرگی، همچون ملکه و جنگجو یا بطور کل پرارزش جلوه می دهند، در حقیقت در تمدن روم و یونان، که گهواره تمدن غرب بشمار می آیند، نه تنها به زنان حق شهروندی تعلق نمی گرفت و عاری از هرگونه حقوقی بودند^[5]، بلکه حق ابراز عقیده یا دخالت خارج از مسائل خانه را نداشته اند، بویژه در امور سیاست^[6]، زیرا یونانیان آنان را موجوداتی ناچیز، تحت مالکیت مردان^[7] و برای همخوابگی، خانه داری و تولید مثل^[8] بشمار می رفتند، که حتی بدون اجازه مردانشان حق سخن گفتن نداشته اند! در تمدن یونانی، زنان آنچنان بی ارزش بوده اند، که نه تنها آنان را شایسته "عشقورزی" نمی دانستند و عشق راستین را تنها میان "مردان" می پذیرفتند^[9]، بلکه بنیاد باورهای مذهبی یونانیان بر آن اساس بوده است که "زنان، مردانی بوده اند، که در زندگی پیشین خود مرتکب گناه شده و بدینروی زن آفریده شده اند."^[10] حتی در اساطیر (اساطیر) یونانی، اکثریت دیوان، زن می باشند، از جمله سایرنس (Sirens)، اسفینکس (Sphinx)، گورگونس سیلیا (Scylla Gorgons)، کاربیدیس برای و بوده مردان مالکیت تحت زنان، یونانی تمدن همانند دقیقا، عربی فرهنگ در (Chimera) کیمرا و (Charybdis) تولید مثل آفریده شده اند^[11]، و عقل آنان نیم عقل مردان بشمار می رود.

ولی در مقابل این دو فرهنگ زنستیز غربی و عربی، تمدن و فرهنگ ایرانی است.^[12] در فرهنگ راستین ایرانی، زنان از ارزش و حقوقی کاملا برابر با مردان برخوردار بوده اند. حتی در دین زرتشتی، شش امشاسپند، که ویژگی های اهورامزدا می باشند، نام آنان سه نام مردینه (مذکر) و سه نام مادینه (مونث) می باشد که نشانگر برابری زنان با مردان در نزد آفریدگار می باشد.^[13] همچنین گلنشته های دیوانی یافت شده در تخت جمشید نشان میدهند که زنان ایرانی در زمان هخامنشیان نه تنها کارگر، بلکه کارفرما بوده و حتی درآمد برخی از کارفرمایان چهار برابر همتای مرد خود بوده است یا زنان کارگر/کارمند دستگاه هخامنشی در زمان بارداری، دو برابر حقوق مردان دریافت می کرده اند، زیرا که می بایستی دو دهان را سیر کنند!^[14] ناگفته نماند که هر سه ارتش هخامنشی، اشکانی و ساسانی زنان بخدمت سپاهیگری گمارده می شدند و دوشادوش مردان با دشمنان ایرانزمین به پیکار می رفتند، که حتی ملکه های ایران نیز در جنگ شرکت میکردند، از جمله ملکه گوهرگو، همسر شاهپور دوم که فرمانده سوار نظام سنگین پوش (کاتافراکت ها) بوده و در جنگی در سال ۳۶۳ میلادی موجب شکست رومیان می شود.^[15] نیز بایست افزود، در زمان جنگ و شکست دشمن، ایرانیان، زنان دشمن را کالایی برای ارضات امیال حیوانی و شهوانی خود نمی دیدند، بر عکس رومیان. دو نمونه تاریخی بارز آن قابل ذکر است:

رفتار ایرانیان با اسیران زن:

مارسلینوس مورخ و افسر رومی که خودش در جنگ با ایرانیان در زمان شاپور دوم حضور داشته است، با شگفتی بسیار درباره رفتار ایرانیان با اسیران خود می نویسد: "ایرانیان نه به زنان رومیان تجاوز می کردند، نه اسیران رومی را می کشتند، و نه تصمیم داشتند که زن و بچه ها را اسیر کرده در بازارها بفروشند."

مارسلینوس نیز درباره همسر زیباروی یک افسر بلندپایه رومی و مشاور امپراتور روم بنام گروگاسیوس سخن گفته و با شگفتی می نویسد:

"شاپور وقتی او را دید به او دلداری داد که ما نه با تو و نه با شوهرت رفتار ناپسند نخواهیم داشت، بلکه تو را با زنان دیگر به ایران خواهیم برد و سپس به شوهرانتان تحویل خواهیم داد."

او می افزاید که شاپور به سپاهیانش دستور داد که مبادا نسبت به زنان اسیر شده بی احترامی شود، و دستور داد که زنان را آزاد بگذارند تا مراسم دینی شان را انجام دهند. همچنین می نویسد که گروگاسیوس چونکه عاشق زنش بود پس از آن به ایران رفته به حضور شاپور رسید، شاپور او را مورد نوازش قرار داد، زنش را به او برگرداند و به او پیشنهاد داد تا در ایران بماند و گروگاسیوس در ایران ماندگار شد، و شاپور امکاناتی در اختیارش گذاشت.^[16]

و رفتار رومیان با اسیران زن:

در نبرد sextiae Aquae در سال ۱۰۲ پیش از میلاد، ارتش روم به سرپرستی گائوس ماریوس پس از کشتار دسته جمعی بسیاری از ژرمن ها، آغاز به تجاوز گروهی به برخی از زنان اسیر دست زدند، که در این میان سیصدتن از زنان ژرمن برای جلوگیری از ادامه این تجاوز گروهی، نخست کودکانشان را به قتل رسانده و سپس به گونه ی دسته جمعی خودکشی کرده بودند.[17]

در هر روی، تفاوت فاحش میان فرهنگ غربی و ایرانی (راستین) در الگوسازی این دو فرهنگ می توان دید! پدر ملت و فرهنگ ایرانی، کورش بزرگ بشمار می رود و ایرانیان به او افتخار می ورزند، زیرا یک انسان والا و آزاده ای بوده است، که نخستین فرمان آزادی انسان ها را صادر و نخستین تمدن فراج جهانی را پایه گذاری کرده بوده. ولی در مقابل آن، پدر تمدن و فرهنگ غربی، اسکندر مقدونی (اسکندر گجستک یا ملعون) است، که نه تنها نامی ترین همجنسباز جهان بشمار میرود، بلکه خونخواری او در تاریخ، روی چنگیز خان مغول را سپید کرده است! اسکندر (ناپلئون او را "بزرگ" خواند و تا به امروز همه غربیان از او پیروی می کنند)، تنها در شهر صور (در لبنان امروزی)، که بخشی از امپراتوری هخامنشی بود، پس از اشغالش حتی یک مرد و یا پسر را زنده نگذاشت و همه زنان و دختران از جمله کودکان را برای بردگی بفروش رساند! [18]

دو دیگر، زمانیکه غرب باستان، در تجلیل "همجنسبازی" کمر بسته بود، در ایران ساسانی، براساس قانون "پاد-کن مرژی" (ضد گذر از مرز باسن) یا همجنسبازی از جرایم سخت و کیفر آن مرگ بوده است!

شایان ذکر است، همخوابگی برخی از مردان با پسرچکان (بگفته عوام "بچه بازی")، همجنسبازی بشمار رفته [19] و پژوهش ها نشان می دهند که بخشی از فرهنگ همجنسبازی می باشد. [20] همجنسبازی و همخوابگی مردان با پسرچکان ترین تازه، نیز [21]. است رفته می بشمار عادی و داشته رواج دربار در جمله از، عثمانی ترکان میان در (Paedophilia) پژوهش های "شورای پژوهشی خانواده" (Council Research Family) در آمریکا، نشان می دهد، که آزار جنسی

کودکان، رابطه مستقیم با همجنسبازی دارد! [22]

”زندگی کن و بگذار تا دیگران هم زندگی کنند!“

گفتار ”زندگی کن و بگذار تا دیگران هم زندگی کنند“، که در زمان جنگ جهانی یکم در اروپا زاده شد، گذشته از تاریخچه آن، یکی از پرمعنا ترین گفتارهای انسانی در تاریخ بشریت می باشد.

براساس این گفتار اگر کسی می خواهد یک همجنسباز باشد یا زن مسلمانی حجاب (اختیاری) بر سر کند، این خواسته و گزینش شخصی این دو می باشد و گزینش آنان ممکن است که مورد پذیرش همگان نباشد، ولی بایستی آن ها را پاسداشت، ولی تا زمانیکه نه حجاب اجباری شود و نیز همجنسبازی یا فرهنگ غربی در ایران تبلیغ شود.

بگفته ای دیگر، هیچ تفاوتی میان اراذل و اوباش رژیم اسلامی که در اجرای قانون ضد انسانی ”امر به معروف و نهی از منکر“

با زور و اسیدپاشی می خواهد حجاب اجباری را بر سر زن ایرانی بکوبد، با شخصی همانند بهرام رادان که در اشاعه فرهنگ همجنسبازی غربی، احساس "خودروشنفکرپنداری" به او دست داده است وجود ندارد - هر دو نادان و به یک نسبت به فرهنگ و هویت ایرانی آسیب وارد ساخته و کمر به نابودی ایران بسته اند.

بهر روی، ما نه در زمان ساسانیان زیست می کنیم که سزای همجنسگرایی و همجنسبازی را مرگ بدانیم و نه در شنزارهای نجد و حجاز اسیر هستیم، که "حجاب اجباری" را امروز قانون خود سازیم، ولی بایستی از اشاعه و تبلیغ و تهاجم فرهنگی هر دو فرهنگ غربی انحراف جنسی و عربی حجاب اجباری در جامعه خود جلوگیری کنیم.

ناگفته نماند، که غریبان ویژگی های برجسته انسانی نیز دارا می باشند، که ما ایرانیان می توانیم از آن یاد گرفته و آنها بکار ببندیم. برای نمونه، در بریتانیا، کشوری با جمعیتی نزدیک به جمعیت ایران، در هر یکساعت ۲۰ عنوان کتاب تازه بچاپ می رسد، [23] چرا ما ایرانیان این کار نیک را از بریتانیاییها فرا نمی گیریم و کتاب خواندن را در کشورمان رواج نمی دهیم؟! چرا ما بایستی تنها فرهنگ ناشایست غریبان از جمله تجلیل از همجنسبازی را فرا گیریم؟

بدینروی، "زندگی کن و بگذار تا دیگران هم زندگی کنند"، ولی نمی گذاریم فرهنگ ناشایست خود را بر من غالب سازید! چه فرهنگ همجنسبازی غربی باشد و چه حجاب اجباری و زنستیزی عربی! ما ایرانی هستیم و فرهنگ و هویت چندین هزارساله خود را داریم.

شاپور سورنپهلو

۱۱ روز گوش از ماه تیر سال ۳۷۵۳ بهدینی

۲ ژوئیه ۲۰۱۵ ترسایی

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

1 - <http://www.theguardian.com/world/2015/jul/02/iranian-actor-apologises-tweeting-support-us-gay-marriage-ruling>

2 - <http://www.badbadakmedia.com/news/681> «همجنسگرا» - به - مربوط - تونیت - خاطر - به - «رادان - بهرام» - عذر خواهی -

3 - سورنپهلو، ش. " آخوند، غرب و صهیونیسم: اتحادیه مثلث شیطانی " برای تجزیه ایران"

4 – سورنپهلو، شاپور. "جمهوری اسلامی، بانی نابودی ادب و نزاکت اجتماعی و فرهنگ شهریگری در ایران"

5 – Neils, J., "Worshipping Athena: Panathenaia and Parthenon", The University of Wisconsin Press (1997), p 78

6 – Thompson, N., "The Ship of State: Statecraft and Politics from Ancient Greece to Democratic America", Yale University Press (2001), p.13

7 – Cheshire, K., Alexander the Great (Greece and Rome: Texts and Contexts), Cambridge University Press (2009), p.88.

8 – "Long ago Demosthenes had written: "We keep prostitutes for pleasure; we keep mistresses for the day to day needs of the body; we keep wives for the begetting of children and for the faithful guardianship of our homes. So long as a man supported his wife and family there was no shame whatsoever in extra-marital affairs." (Sanctity of Life, C. Swindoll, Word, 1990, p. 62)

9 – Wohl, V., Love Among the Ruins: the Erotics of Democracy in Classical Athens. Princeton University Press (2002), pp.6-7

10 – Blakemore, C., “Reith Lectures: Mechanics of the Mind”, BBC Radio 4 (10 November 1976)

11 – زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند، پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید. (سوره البقره، آ ۲۲۲-۲۲۳)

12 – http://www.cais-soas.com/CAIS/Women/women_ancient_iran.htm

13 – http://www.cais-soas.com/CAIS/Women/avestan_womenhood.htm

14 – http://www.cais-soas.com/CAIS/Women/aryan_womenhood.htm

15 – [سورنپهلو، ش. "سالروز شکست رومیان از ارتش امپراتوری ساسانی، فرماندهی شاهنشاه شاپور دوم و شهبانو گوهرگو بیاری جانفشانی دو ایرانی"](#)

16 – Falk, A., "Franks and Saracens: Reality and Fantasy in the Crusades", Karnac Books (2010), p.19

17 – تاریخ ایران باستان امیر حسین خنجی، به نقول قول از مارسلینوس: دفتر ۱۸ / ۱۰ و دفتر ۱۹ / ۹.

18 – <http://www.cais-soas.com/CAIS/History/Post-Achaemenid/alexander.htm>

19 – Bryant, A., "The Anita Bryant story: The survival of our nation's families and the threat of militant homosexuality", (1977), p. 114

20 – <http://www.rense.com/general24/reportpedophilia.htm>

21 – هنرمندان عثمانی همانند یونانیان باستان، نگارگری های گوناگونی از خود بجای گذارده اند. برای نمونه:

http://galeri8.uludagsozluk.com/469/osmanliya-olancı-diyen-pembe-kotlu-küpelı-genç_615123.jpg

<http://gaymag.org/wp-content/uploads/2015/03/BSLPZmCCEAAILeG.jpg-large.jpeg>

https://41.media.tumblr.com/dc54ae4a3d40091579b7f0780312ef4a/tumblr_nh9mx0cz3S1qcf24lo1_500.jpg

https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/2/28/Lining_up_to_use_a_boy.jpg

22 - <http://www.frc.org/get.cfm?i=is02e3>

23 - <http://www.theguardian.com/books/2014/oct/22/uk-publishes-more-books-per-capita-million-report>

□